

تبیین جامعه شناسانه پرخاشگری و خشم با تأکید بر مشغولیت ورزشی

دکتر اکبر علیوردی نیا^۱، زینب خاکزاد^۲

چکیده:

مقدمه و هدف: نظریه پیوند اجتماعی هیروشی با توجه به عناصر چهارگانه اش (پیوستگی، تعهد، باور و مشغولیت ورزشی) اذعان می‌دارد که میزان تقویت این عناصر منجر به کاهش میزان رفتارهای انحرافی از جمله پرخاشگری می‌شود. بنابراین، مقاله حاضر با هدف بررسی رابطه میان عناصر نظریه مزبور - خصوصاً مشغولیت ورزشی - با احساس خشم و پرخاشگری در میان دانشجویان دانشگاه مازندران انجام شده است.

روش شناسی: جامعه آماری تحقیق حاضر متشکل از کلیه دانشجویان رشته های علوم انسانی و تربیت بدنی دانشگاه مازندران است که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب تعداد ۴۱۵ دانشجوی رشته علوم انسانی و تربیت بدنی به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. روش تحقیق به صورت پیمایشی است و داده ها با استفاده از پرسشنامه جمع آوری گردید است. جهت مشخص نمودن پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

یافته ها: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میان دانشجویان رشته های علوم انسانی و تربیت بدنی به لحاظ خشم تفاوت معناداری وجود ندارد، اما آن بخش از تحقیق که مربوط به پرخاشگری است، مورد تایید قرار گرفته است. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه، نشان می‌دهد که عناصر نظریه مزبور تا حدودی در تبیین خشم موثر اند ($R^2=0/09$)، اما این اثرگذاری در تبیین پرخاشگری به مراتب بیشتر است ($R^2=0/17$).

بحث و نتیجه گیری: در تحقیق حاضر، نقش متغیر مشغولیت مستقیم است. یافته های مربوط به این بخش با یافته های برخی از تحقیقات پیشین در این زمینه مطابق است. از طرف دیگر، تحقیقات آینده می‌توانند نقش ویژگی های شخصیتی پاسخگویان مانند خود کنترلی، عزت نفس، خود کفایتی و .. را به عنوان متغیر واسط میان مشغولیت ورزشی و پرخاشگری مد نظر قرار دهند.

کلید واژه: پیوند اجتماعی، فعالیت ورزشی، خشم، پرخاشگری.

مقدمه

پذیرش و ادامه تحصیل در دانشگاه یکی از مهمترین مراحل تغییرات و دوره های گذار در زندگی جوانان است که تغییرات مهمی در ابعاد مختلف را در بر می گیرد. افراد در این دوره با چالش های جدیدی در تحصیل، روابط اجتماعی و دیگر زمینه های ممکن مواجه می شوند که به وسیله یک محیط کاملاً جدید به آنها تحمیل می گردد. این تغییر و تحولات منجر به افزایش سطح تنیدگی و مشکلات سازشی و رفتاری از جمله رفتارهای پرخطر در آنها می شود. از جمله رفتارهای پرخطر در این دوره می توان به خشونت و پرخاشگری اشاره کرد. خشونت آن رفتار تهاجمی است که شخص به قصد صدمه و آسیب رساندن به افراد یا اشیا از خود نشان می دهد و می تواند به صورت جسمی، کلامی و یا در قالب تخریب اشیا و لوازم و یا زیر پا گذاشتن مقررات و قوانین در محیط زندگی با آگاهی قبلی تجلی یابد (۱). در جامعه امروز خشونت به شکل های مختلف آن به یک معضل اجتماعی رو به رشد و به عنوان بخشی از رفتار معمولی تبدیل شده است. رفتاری که می توان آن را به طور روز افزون در برخوردهای بین افراد در جامعه مشاهده کرد. به طوری که ما هر روز شاهد تظاهر آن در محیط مدرسه، زمین ورزشی، خانه و خیابان و امثال آن هستیم. گسترش دامنه خشونت و پرخاشگری، بویژه در سال های اخیر در جامعه ایران یکی از جدی ترین آسیب های اجتماعی به شمار می رود (۲).

ورزش به عنوان یکی از فعالیت های اوقات فراغت از اشکال مهم کنترل اجتماعی به حساب می آید و اهداف تربیتی زیادی دارد (۳). امروزه تفریح و چگونگی گذران اوقات فراغت وسیله ای موثر برای پرورش قوای فکری، جسمی و اخلاقی افراد است و عاملی برای جلوگیری از کجروی های اخلاقی به شمار می رود (۴). ورزش به عنوان فراگردی اجتماعی، نیروهای پویایی را در بر می گیرد که در کنش متقابل با یکدیگر می توانند عناصر موجود در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را تقویت کنند یا آنها را به شکل تازه ای درآورند. ورزش دارای نمونه هایی از فراگردهای اجتماعی قابل ملاحظه ای است که از آن جمله می توان به مواردی مانند مبادله ی اجتماعی، تخصیص منابع، روابط منزلتی، همکاری، سازگاری، جامعه پذیری، عملکرد گروهی، رقابت، کجروی، کنترل، ستیز، خشونت و پرخاشگری اشاره کرد (۵). ورزش به عنوان یک عنصری قوی و فعال نقش موثری در جامعه رو به توسعه امروز ایفا می کند و استمرار و تداوم آن در ارتقای سطح فرهنگی و مادی و معنوی جامعه موثر واقع می شود و سلامت جسمی و و روحی افراد جامعه را تضمین می کند (۶). در حالی که برخی از محققان پیشنهاد می کنند که شرکت در فعالیت های ورزشی جوانان باید به عنوان راهی برای کاهش رفتارهای غیر قانونی مورد تشویق قرار گیرد، سوالی که توسط دیگران مطرح می شود این است که آیا شرکت در فعالیت های ورزشی می تواند میزان خطر پذیری و یا شرکت در فعالیت های پرخاشگرانه را افزایش دهد؟ مطالعات گوناگون نشان می دهد که فعالیت های ورزشی با کاهش میزان بزهکاری ورزشکاران همراه است (لندرز و لندرز، ۱۹۸۷؛ لانگبین و بس، ۲۰۰۲؛ ماهونی و کرنز، ۱۹۹۷؛ هاستاد، ۱۹۸۴). در مجموع، تحقیقات موجود در خصوص ارتباط بین ورزش و پرخاشگری چندان نمی توانند این مساله را روشن نمایند که آیا فعالیت های ورزشی موجب جلوگیری از رفتارهای غیر قانونی و پرخاشگرانه می شوند (۷).

نظریه های گوناگونی در عرصه جامعه شناسی انحرافات، مورد استفاده قرار گرفتند تا نتایج مثبت و معنادار شرکت در فعالیت های ورزشی و پرخاشگری جوانان را تبیین کنند. در این میان می توان به نظریه پیوند اجتماعی، نظریه فشار و نظریه پیوند افتراقی اشاره نمود (۷). مطابق با نظریه پیوند اجتماعی هیرشی کجروی

زمانی رخ می‌دهد که فرد به درستی جامعه پذیر نشده باشد. برای هیرشی جامعه‌پذیری مناسب، دربرگیرنده حضور پیوندهای اخلاقی قدرتمند بین فرد با جامعه است. از این روی، می‌توان گفت که مفهوم پیوند اجتماعی مد نظر هیرشی، به روابط میان فرد و اجتماع اشاره دارد که اغلب از طریق نهادهای اجتماعی برقرار می‌شود. این پیوند با جامعه، شامل پیوستگی به دیگران، تعهد به خطوط متداول کنش، درگیری و حضور در فعالیت‌های مرسوم و باور به نظم اخلاقی و قانونی است (۸). مطابق با نظریه هیرشی، فعالیت‌های اوقات فراغت، میزان تعهد افراد را افزایش می‌دهد. همچنین، شرکت در فعالیت‌های ورزشی فرصت ارتکاب بزهکاری و رفتارهای خشونت‌آمیز را کاهش می‌دهند (۷). با در نظر گرفتن این مهم تحقیق حاضر در صدد است تا به بررسی رابطه بین عناصر پیوند اجتماعی - خصوصاً مشغولیت ورزشی - با احساس خشم و پرخاشگری بپردازد و قدرت تبیین این نظریه را در بروز احساس خشم و پرخاشگری در میان دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و تربیت بدنی دانشگاه مازندران مورد آزمون تجربی قرار دهد. در ادامه مقاله، به تحقیقاتی که صرفنظر از چهارچوب نظری شان به بررسی رابطه میان فعالیت‌های ورزشی و پرخاشگری و خشم پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

بررسی پژوهش‌های داخلی بیانگر این نکته است که تنها تحقیقات داخلی اندکی در خصوص تبیین پرخاشگری و خشم با تأکید بر نظریه پیوند اجتماعی و مشغولیت ورزشی صورت گرفته است. از جمله می‌توان به تحقیق علی‌وردی نیا و آرمانمهر (۱۳۸۷) اشاره نمود که در تحقیق مزبور از بین عناصر چهارگانه نظریه پیوند اجتماعی هیرشی بین مشغولیت ورزشی و خشونت رابطه معناداری وجود داشته است.

پیشینه خارجی در زمینه پرخاشگری و مشغولیت ورزشی نشان‌دهنده این است که در بخش چهارچوب نظری تنها برخی از تحقیقات با رویکرد جامعه‌شناسانه و با استفاده از عناصر نظریه‌های موجود در جامعه‌شناسی به تبیین مسأله پرخاشگری پرداخته‌اند. مطالعه تحقیقات مربوط به این بخش نشان می‌دهد که در برخی از آنها، بین شرکت در فعالیت‌های ورزشی و رفتارهای پرخاشگرانه رابطه وجود دارد. به عنوان مثال می‌توان به تحقیق برتون و مارشال (۲۰۰۵) اشاره نمود که نتایج تحقیق آنها به این امر اشاره دارد، جوانانی که در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند بیشتر از جوانانی که در چنین فعالیت‌هایی شرکت کمتری دارند، گرایش به پرخاشگری و رفتارهای پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند. همچنین، در تحقیق بووس و همکاران (۲۰۰۸) مشغولیت ورزشی در افزایش رفتارهای مخاطره‌آمیز تأثیر مستقیمی داشته است. دیویس و منارد (۲۰۱۳) نیز در تحقیق خود در خصوص رابطه میان فعالیت ورزشی و پرخاشگری به این نتیجه رسیدند که شرکت در فعالیت‌های ورزشی همراه با تماس و برخورد به صورت مستقیمی با حمله به دیگران در ارتباط بوده است. فوربیز و همکاران (۲۰۰۶) در تلاش برای بررسی رابطه دو متغیر مزبور متوجه شدند، پسرانی که در فعالیت‌های ورزشی پرخاشگرانه شرکت داشته‌اند، در مقایسه با سایر پسران بیشتر به انجام پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری روانی، تهدید جنسی و رساندن آسیب جسمانی گرایش داشتند. اما در تحقیق گاردنر و همکاران (۲۰۱۱) هیچ ارتباط معناداری بین فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری خشونت‌آمیز چه در بین پسران و چه در بین دختران وجود نداشت، اما در خصوص تحقیقاتی که از عناصر و متغیرهای نظریه پیوند اجتماعی (پیوستگی، تعهد، باور و مشغولیت ورزشی) جهت تبیین پرخاشگری استفاده نموده‌اند، می‌توان اشاره داشت که در برخی از تحقیقات عناصر پیوند اجتماعی در تبیین خشم و پرخاشگری اثر معناداری داشته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به تحقیق برنبرگ و تورلیندسون (۱۹۹۹) اشاره نمود که طی تحقیقات آنها، بین عناصر وابستگی به خانواده و تعهد تحصیلی با رفتارهای خشونت‌آمیز رابطه

منفی وجود دارد. در حقیقت، داده‌های تحقیق مزبور نشان می‌دهند که پیوند با عقاید و باورهای مرسوم اجتماعی نیز با پرخاشگری رابطه منفی دارد، اما در تحقیق کارلو و همکاران (۲۰۱۱)، نتایج بر خلاف مفروضات نظریه پیوند اجتماعی بوده است چرا که پیوستگی با والدین و همالان با پرخاشگری فیزیکی در ارتباط مستقیم بوده است. در رابطه با میزان پرخاشگری نتایج برخی از تحقیقات از جمله برتون و مارشال (۲۰۰۵)، فوریز و همکاران (۲۰۰۶)، بووس و همکاران (۲۰۰۸)، دیویس و منارد (۲۰۱۳) حاکی از این است که بین مشارکت ورزشی و پرخاشگری رابطه مستقیمی برقرار است.

با در نظر گرفتن این مهم تحقیق حاضر درصدد است تا به بررسی وضعیت خشم و پرخاشگری دانشجویان رشته تربیت بدنی و دانشجویان رشته علوم انسانی بپردازد. از طرف دیگر، تحقیق حاضر درصدد است تا قدرت نظریه پیوند اجتماعی را در تبیین خشم و پرخاشگری دانشجویان دانشگاه مازندران مورد آزمون قرار دهد. در ادامه مقاله، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نظریه پیوند اجتماعی هیرشی یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در عرصه جرم‌شناسی است که در کتاب علل بزهکاری در سال ۱۹۶۹ مطرح شده است. برجستگی این نظریه از توجه به افراد و نهادهای مرسوم اجتماعی نشأت گرفته است. این نظریه در ابتدا برای تبیین بزهکاری نوجوانان مورد استفاده، اما بعدها، توانست تبیینی همه‌جانبه از جنبه‌های مختلف رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه فراهم نماید (۱۱). هیرشی فرض را بر این می‌گیرد که همه افراد بالقوه قانون شکن هستند، اما بیشتر آنان کنترل می‌شوند زیرا می‌ترسند که رفتارهای غیر قانونی به روابط آنها با دوستان، خانواده، همسایه، معلمان و کارفرمایان شان آسیب برساند. هیرشی استدلال می‌کند که پیوند اجتماعی شخص را با جامعه ارتباط می‌دهد؛ این پیوند چهار عنصر دارد: دلبستگی، تعهد، مشغولیت و باور (۱۵). در ادامه هر یک از این عناصر به صورت مختصر توضیح داده می‌شود.

پیوستگی، به معنی علاقه و دلبستگی ای است که افراد با خانواده، معلمان و دوستان دارند. سطوح بالای پیوستگی به سنت و یا گردن نهادن به قوانین، مانع از انجام بزهکاری از سوی افرادی می‌شود که نمی‌خواهند احترامی که از جانب نزدیکان دارند را از دست بدهند (۱۶). به نظر هیرشی، رفتار بزهکارانه نتیجه پیوند اجتماعی ضعیف یا گسسته است. اگر پیوند با اجتماع ضعیف باشد، فرد به خواسته‌های دیگران حساسیتی کمتر و به تخطی از هنجارهای مشترک اجتماعی نیز توجه کمتری دارد (۳).

تعهد، نتیجه داشتن نوعی نگرش سود-هزینه نسبت به بزهکاری است. تعهد به سرمایه‌گذاری انباشته شده در هم‌نواپی با قوانین مرسوم (مانند زمان، پول، تلاش و پایگاه) در مقابل هزینه‌های برآورد شده یا از دست داده شده در ارتباط با ناهم‌نواپی اشاره دارد. بنابراین تعهد به عنوان یک جنبه عقلانی پیوند اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. می‌توان تعهد را نوعی رونوشت از مفهوم روانشناسانه خود در نظر گرفت (۱۷). در وضعیت تعهد، هم‌نواپی از طریق ترس از دست دادن آنچه که مورد انتظار می‌باشد، در افراد صورت می‌گیرد. جستجوی شغل و فرصت‌های تحصیلی، شهرت و اعتبار و دیگر شرایط ارزشمندی که ممکن است با انجام رفتارهای بزهکارانه از دست برود. بنابراین، افراد کمتر متمایل به رفتارهای مجرمانه می‌گردند. مثلاً فردی که در دوران دبیرستان قهرمان می‌شود باید از تمام قوانینی که مربیان به او دستور می‌دهند پیروی کند تا از رقابت خارج نشود (۱۸).

مشغولیت یا درگیری: این عنصر به شرکت در فعالیت‌های قانونی و متداول اشاره دارد. در سطح ساده‌تر، زمانی که یک فرد زمان بیشتری را برای انجام فعالیت‌هایی همچون ورزش کردن بگذراند کمتر به انجام عمل انحرافی گرایش دارد. مشغولیت بیشتر در فعالیت‌های مرسوم اجتماعی تعهد را تقویت می‌کند (۱۹).

عقاید یا باورها، این عنصر نیز پذیرش نظام ارزشی موجود را شامل می‌شود. در نظریه مزبور، استدلال بر این است که ضعف عقاید مرسوم به هر دلیلی، بزهکاری را افزایش می‌دهد (۱۵). انتظار می‌رود که افزایش سطوح پیوندهای اجتماعی و تعهد، میزان باورهای ارزشی را نیز بالا برد و بنابراین، میزان رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهد (۱۱). به باور هیرشی افرادی که وقت خود را صرف انجام فعالیت‌های عرفی نظیر ورزش، تفریحات سالم و ... می‌کنند کمتر احتمال دارد دست به اعمال انحرافی بزنند. زیرا احتمالاً فرصت لازم برای انجام رفتار انحرافی برایشان نمی‌ماند. به علاوه کیفیت مشغولیت در فعالیت‌های عرفی به گونه‌ای است که افراد نیازی به انجام رفتار انحرافی در خود احساس نمی‌کند (۳). مطابق با نظریه پیوند اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت می‌تواند میزان تعهد جوانان را افزایش دهد، شرکت در فعالیت‌های قهرمانی نیز تعهد افراد را برای پیروزی در رقابت افزایش می‌یابد (۷). نظریه پیوند اجتماعی هیرشی بر این باور است که شرکت در فعالیت‌های ورزشی میزان رفتارهای انحرافی از جمله خشم و پرخاشگری را کاهش می‌دهد. در ادامه به ذکر فرضیات تحقیق اشاره می‌شود.

۱- بین دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم انسانی از لحاظ تجربه خشم، تفاوت معنادار وجود دارد.

۲- بین دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم انسانی از لحاظ تجربه پرخاشگری (فیزیکی و کلامی) تفاوت معنادار وجود دارد.

۳- بین عناصر پیوند اجتماعی و خشم، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

۴- بین عناصر پیوند اجتماعی و پرخاشگری، رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

روش‌شناسی

واحد تحلیل در این تحقیق فرد و بنابراین، تحلیل آن در سطح خرد است. نیز، برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب استفاده شده است. روش نمونه‌گیری تصادفی، طریقه‌ای است که در آن به ازای هر یک از N واحد جامعه مورد نظر احتمال انتخاب قابل مقایسه‌ای داده می‌شود (۲۰). جامعه آماری تحقیق حاضر، متشکل از کلیه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و تربیت بدنی دانشگاه مازندران است که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. جمعیت نمونه به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب (جنس/ دانشکده) به دست آمده است. با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۰ نفر به عنوان حجم نمونه، با احتمال ۹۵ درصد اطمینان برآورد گردید، اما از آنجایی که همواره احتمال مخدوش شدن پرسشنامه‌ها از سوی پاسخگویان وجود دارد، تعداد ۵۰۰ پرسشنامه در بین دانشجویان توزیع و پس از کنار نهادن پرسشنامه‌های مخدوش نهایتاً ۴۱۵ پرسشنامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. همچنین کلیه عملیات اجرایی پردازش داده‌ها با استفاده از بسته نرم افزاری علوم اجتماعی (SPSS) به انجام رسیده است.

اعتبار و پایایی: در تحقیق حاضر به منظور تحقق اعتبار مقیاس تحقیق از اعتبار سازه استفاده شده است. در این نوع اعتبار، مفهوم و مقیاس یا سازه تحقیق باید با روابط مدنظر در نظریه ها یا تحقیقات انجام گرفته قبلی هماهنگ باشد. اگر مفهوم، مقیاس یا سازه تحقیق، روابط یا جهت های پیش بینی شده در تحقیقات انجام گرفته قبلی را نشان دهد، بر اساس اعتبار سازه، آن مفهوم و مقیاس مدنظر اعتبار دارد (۲۱). در تحقیق حاضر، به منظور تعیین اعتبار مقیاس پرخاشگری از اعتبار سازه نظری استفاده شده است. با توجه به اینکه نتایج این تحقیق نشان می دهد که میانگین پرخاشگری دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر است و این تفاوت به لحاظ آماری معنی دار است و تحقیقات پیشین (برتون و مارشال ۲۰۰۵؛ فوربیز و همکاران: ۲۰۰۶؛ بووس و همکاران: ۲۰۰۸؛ دیویس و منارد: ۲۰۱۳) نیز موید این یافته است، لذا مقیاس پرخاشگری، اعتبار سازه نظری دارد. در این تحقیق، برای مشخص نمودن پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

ادامه این بخش به بررسی تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق اختصاص یافته است.

پیوستگی، سه نوع پیوستگی وجود دارد: پیوند با خانواده، مدرسه و همالان. در تحقیق حاضر، متغیر پیوستگی به خانواده به عنوان متغیر مستقل، با مُعرف های (درک خانواده، حمایت از سوی خانواده، لذت از بودن با خانواده و...) است و پاسخ ها (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) است. میزان پایایی آن با هفت گویه، ۰/۸۵ است. مُعرف ها بر اساس تحقیقات پیشین است (۲۲).

تعهد، به عنوان متغیر مستقل مفهومی است که به عنوان انطباق با خطوط مرسوم فعالیت تعریف می شود. در تحقیق حاضر، بر اساس (انجام تکالیف، سخت کوشی، مدارج بالای دانشگاهی، یادگیری دروس، نمرات خوب) مورد استفاده قرار گرفت (۱۶). پاسخ ها بصورت (خیلی زیاد- زیاد- متوسط - کم- خیلی کم) است. میزان پایایی متغیر تعهد با هفت گویه، ۰/۸۳ است.

باور، هرچه اعتقاد در فرد ضعیفتر باشد، بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. بنابراین، انحراف به علت فقدان اعتقاد به قوانین رخ می دهد (۲۳). در تحقیق حاضر، باور با شش گویه پایایی ۰/۵۷ دارد. این متغیر، با معرف های (احترام به پلیس، احترام به قانونگذاران، احترام و ...) شناخته می شود (۲۵). پاسخ ها بصورت (خیلی زیاد- زیاد- متوسط - کم- خیلی کم) است.

مشغولیت ورزشی، مطابق با نظر هیرشی، اگر فرد در فعالیت های مرسوم شرکت کند احتمال وقوع بزهکاری از سوی وی کاهش می یابد (۲۵). در تحقیق حاضر، متغیر مشغولیت ورزشی به عنوان متغیر مستقل، با معرف هایی همچون (والیبال، هندبال، بسکتبال، فوتسال، فوتبال، بدمینتون، تنیس خاکی، شطرنج، شناسیرجه، واترپولو و ...) و ضریب پایایی ۰/۷۵ است. پاسخ ها بصورت (اصلاً، ۴-۱ ساعت در هفته، ۵-۱۰ ساعت در هفته، ۱۱-۲۰ ساعت در هفته، بیشتر از ۲۰ ساعت) است.

خشم، حاکی از نوعی برانگیختگی روانی و آمادگی برای بروز پرخاشگری است (۲۶) و در تحقیق حاضر به عنوان متغیر وابسته دارای پایایی ۰/۸۰ است. گویه ها بر مبنای تحقیقات پیشین ساخته شدند (۲۷).

پرخاشگری، پرخاشگری عبارتست از هر رفتاری که به قصد صدمه زدن به شیء یا فرد دیگری با استفاده از جسم یا کلام انجام گیرد (۵). در این تحقیق، متغیر پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کلامی به عنوان متغیری وابسته

نوعی مولفه و یا محرک رفتار می باشد (۲۸). میزان پایداری این متغیر ۰/۷۹ و پاسخ‌ها (هرگز-بندرت-گاهی اوقات-اغلب اوقات-همیشه) می باشد. مَعْرِفَها نیز بر اساس تحقیقات پیشین بوده است (۲۹).
جدول شماره (۱): فرایند عملیاتی سازی متغیر وابسته پرخاشگری و خشم

متغیر	بعد	مولفه	گویه
پرخاشگری کلامی	پرخاشگری کلامی	مخالفت	من اغلب با عقاید دیگران مخالف هستم
		تمسخر	چیزهایی درباره دیگران می گویم تا بقیه به آنها بخندند
		اسامی ناشایست	دیگران را با اسامی ناشایست صدا می زنم
		حرف زننده	گاهی حرف های زننده و رکیک می گویم
		تهدید کردن	کسی را به کتک زدن تهدید کرده ام
		مسخره کردن	من دیگران را مورد تمسخر و آزار قرار می دهم تا آنها را عصبانی کنم
پرخاشگری فیزیکی	پرخاشگری فیزیکی	تلافی کردن	در دوران دانشجویی کسی به من آسیب رساند و من نیز آن را تلافی کردم
		مشت زدن	کسی را با مشت زده ام
		سیلی زدن	به کسی سیلی زده ام
		کتک زدن	در دوران دانشجویی با کسی به گونه ای نزاع کردم که نیاز به دکتر پیدا کند
		درگیر شدن	با هر کسی که به من و یا خانواده ما توهین کند درگیر می شوم
		آسیب دیدن	در دوران دانشجویی آسیب دیدم زیرا با دیگران درگیر شدم
خشم	-	عصبانیت مداوم	من براحتی و با هر چیزی عصبانی می شوم
		نمود ظاهری	اگر خشمگین شوم در چهره ام نمایان می شود.
		رفتار غیر عاقلانه	خیلی زود خشمگین می شوم و رفتار غیر عاقلانه از خود نشان می دهم
		نافرمان بودن	در خانه و دانشگاه نافرمان و سرکش هستم
		فریاد کشیدن	اگر عصبانی شوم فریاد می کشم و یا چیزها را پرتاب می کنم
		واکنش اطرافیان	وقتی عصبانی هستم دیگران از من دور می شوند
		ناسازگاری با والدین	احساس می کنم همواره در حال نزاع و بحث با خانواده ام هستم
		عدم پنهان کردن عصبانیت	اگر با کسی مخالف باشم، برایم سخت است تا عصبانیت خود را پنهان نمایم
		پتانسیل خشم	گاهی احساس می کنم مثل یک انبار باروت آماده انفجار هستم

یافته ها:

با استفاده از آماره های توصیفی ۶۱ درصد از پاسخگویان را دختران و ۳۹ درصد را پسران تشکیل داده اند. دامنه سنی پاسخگویان بین ۲۰-۳۵ سال است، در این بین پاسخگویان ۲۲ ساله (۰/۳۰) بیشترین میزان فراوانی و پاسخگویان ۲۸، ۲۹، ۳۴ و ۳۵ ساله (۰/۲) کمترین میزان فراوانی را دارا ست. ۸۲/۹ از پاسخگویان (۳۴۴ نفر) مجرد و بقیه؛ یعنی ۱۷/۱ (۷۱ نفر) متأهل بوده اند.

آزمون تفاوت میانگین احساس خشم و پرخاشگری بر حسب جنس

جدول شماره (۲): آزمون تفاوت میانگین احساس خشم و پرخاشگری بر حسب جنس

متغیر	مقوله	خشم		پرخاشگری	
		t- test	میانگین	t- test	میانگین
جنسیت	پسر	۱/۳۵	۱۶/۸۹	۸/۷۶	۱۹/۴۳
	دختر	p=۰/۵۵۸	۱۶/۲۱	p=۰/۰۰۰	۱۵/۵۲

با توجه به اعداد واقع در جدول بالا بین میانگین خشم پسران (۱۶/۸۹) و میانگین خشم دختران (۱۶/۲۱) تفاوت معناداری مشاهده نشده است. به عبارت دیگر، بین دختران و پسران از لحاظ تجربه احساس خشم تفاوت معناداری وجود ندارد. در مقابل، مطابق با اعداد موجود در جدول بین میانگین پرخاشگری پسران (۱۹/۴۳) و میانگین پرخاشگری دختران (۱۵/۵۲) تفاوت معناداری مشاهده شده است. به عبارت دیگر، میزان پرخاشگری کلامی و فیزیکی پسران در این تحقیق بیشتر از میزان پرخاشگری دختران بوده است.

آزمون تفاوت میانگین احساس خشم بر حسب رشته

جدول شماره (۳): آزمون تفاوت میانگین احساس خشم بر حسب رشته

متغیر	مقوله	خشم	t	سطح معناداری
رشته	علوم انسانی	۱۶/۳۱	۱/۰۴	۰/۲۹۶
	تربیت بدنی	۱۶/۹۰		

با توجه به اعداد واقع در جدول بالا بین میانگین خشم دانشجویان رشته های علوم انسانی (۱۶/۳۱) و میانگین خشم دانشجویان رشته تربیت بدنی (۱۶/۹۰) تفاوت معناداری مشاهده نشده است. به عبارت دیگر، بین دانشجویان ورزشکار و دانشجویان غیر ورزشکار از لحاظ تجربه احساس خشم تفاوتی وجود ندارد.

آزمون تفاوت میانگین پرخاشگری (کلامی، فیزیکی) بر حسب رشته

جدول شماره (۴): آزمون تفاوت میانگین احساس پرخاشگری (کلامی، فیزیکی) بر حسب رشته

متغیر	مقوله	پرخاشگری کلامی		پرخاشگری فیزیکی	
		t- test	میانگین	t- test	میانگین
رشته	علوم انسانی	۰/۲۵۹	۷/۹۴	۲/۴۰	۷/۹۴
	تربیت بدنی	p=۰/۷۹۵	۸/۷۷	p=۰/۰۳۵	۸/۶۲

با توجه به اعداد واقع در جدول بالا بین میانگین پرخاشگری کلامی دانشجویان رشته های علوم انسانی (۸/۷۸) و میانگین پرخاشگری کلامی دانشجویان رشته تربیت بدنی (۸/۷۷) تفاوت معناداری مشاهده نشده است. به عبارت دیگر، بین دانشجویان ورزشکار و دانشجویان غیر ورزشکار از لحاظ پرخاشگری کلامی تفاوت معناداری وجود ندارد. در خصوص پرخاشگری فیزیکی، اعداد واقع در جدول بالا نشان می دهند که بین میانگین پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رشته های علوم انسانی (۷/۹۴) و میانگین پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رشته تربیت بدنی (۸/۶۲) تفاوت معناداری مشاهده شده است. به عبارت دیگر، بین دانشجویان ورزشکار و دانشجویان غیر ورزشکار از لحاظ پرخاشگری فیزیکی تفاوت معناداری وجود دارد و این معناداری به نفع رشته تربیت بدنی است.

جدول شماره (۵): جدول رگرسیونی تبیین متغیر خشم و پرخاشگری بر اساس متغیرهای مستقل

ضرایب استاندارد شده: Beta						متغیرهای مستقل
مدل دوم			مدل اول			
متغیر وابسته: پرخاشگری			متغیر وابسته: خشم			
کل	دختر	پسر	کل	دختر	پسر	
*-۰/۱۰۱	*-۰/۱۴۸	۰/۰۴۱	-۰/۲۲۲	-۰/۲۷۴	-۰/۱۴۸	پیوستگی
**۰/۲۴۱	-۰/۰۴۲	-۰/۳۱۵	-۰/۰۳۴	۰/۰۰۸	-۰/۰۸۴	تعهد تحصیلی
**۰/۱۵۸	۰/۰۲۵	۰/۱۲۶	۰/۰۰۱	-۰/۰۸۸	۰/۱۱۵	مشغولیت ورزشی
**۰/۱۵۶	*-۰/۱۳۶	*-۰/۲۲۳	*-۰/۱۵۶	-۰/۱۲۰	*-۰/۱۵۵	باور
۰/۱۷	۰/۰۵	۰/۲۴	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۱۰	R ² (ضریب تعیین)
۲۱/۴۶	۳/۶۴	۱۲/۵۹	۱۰/۸۵	۸/۱۹	۴/۴۵	F Value

* p < 0.05 , ** p < 0.01

در مدل اول جدول بالا، اثر چهار متغیر پیوند اجتماعی بر احساس خشم پسران و دختران اعمال شده است. ضریب تعیین برای پسران ۰/۱۰ و میزان آن در دختران ۰/۱۱ به دست آمده است. به عبارت دیگر این چهار متغیر (پیوستگی، باور، التزام تحصیلی و مشغولیت)، ۰/۱۰ از میزان تغییرات احساس خشم در پسران و ۰/۱۱ از میزان تغییرات احساس خشم دختران را تبیین می کنند. از میان متغیرهای عناصر پیوند اجتماعی، پیوستگی و باور مهم-

ترین متغیرهای تبیین کننده خشم در پسران است. مهم‌ترین متغیرهای تبیین کننده احساس خشم در دختران متغیر پیوستگی با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل $0/274-$ است. در خصوص تایید فرضیات، نتایج مربوط به مدل اول نشان می‌دهد که از بین چهار متغیر وارد شده به مدل، تنها دو متغیر پیوستگی ($0/222-$) و باور ($0/156-$) اثر منفی و معناداری بر خشم دختران و پسران داشته‌اند.

در مدل دوم جدول بالا، اثر چهار متغیر پیوند اجتماعی بر پرخاشگری (فیزیکی و کلامی) پسران و دختران اعمال شده‌است. ضریب تعیین برای پسران $0/24$ و میزان آن در دختران $0/05$ به دست آمده است. به عبارت دیگر این چهار متغیر (پیوستگی، باور، التزام تحصیلی و مشغولیت)، $0/24$ از میزان تغییرات پرخاشگری (فیزیکی و کلامی) پسران و $0/05$ از میزان تغییرات پرخاشگری (فیزیکی و کلامی) دختران را تبیین می‌کنند. از میان عناصر پیوند اجتماعی، مهم‌ترین متغیرهای تبیین کننده پرخاشگری در پسران متغیر تعهد تحصیلی با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل $0/315-$ و متغیر باور با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل $0/223-$ متغیرهای تبیین کننده پرخاشگری در پسران است. مهم‌ترین متغیرهای تبیین کننده پرخاشگری در دختران متغیر پیوستگی با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل $0/148-$ و متغیر باور با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل $0/136-$ متغیرهای تبیین کننده احساس پرخاشگری در دختران می‌باشد. در خصوص تایید فرضیات، نتایج موجود در مدل دوم جدول نشان می‌دهد که از بین چهار متغیر وارد شده به مدل متغیر تعهد تحصیلی ($0/241-$)، مشغولیت ورزشی ($0/158$)، باور ($0/156-$) و پیوستگی ($0/101-$) اثر معناداری بر پرخاشگری (فیزیکی و کلامی) دختران و پسران داشته‌اند. از بین این چهار متغیر، تعهد تحصیلی، باور و پیوستگی اثر منفی و معناداری بر پرخاشگری داشته‌اند و متغیر مشغولیت ورزشی بر خلاف انتظار، اثر مثبت و معناداری بر پرخاشگری داشته‌است.

بحث و نتیجه گیری:

"فرض اصلی در نظریه پیوند اجتماعی هیرشی این است که پیوندهای اجتماعی متشکل از چهار عنصر پیوستگی، تعهد، باور و مشغولیت است. به عقیده وی هر یک از عناصر مزبور به صورت مستقل بر رفتارهای انحرافی تأثیر می‌گذارند. افراد با پیوستگی قوی به والدین، دوستان، معلمان و ... نسبت به ارزش‌ها و عقاید آنها نیز مصرتر می‌باشند. عنصر تعهد نیز به میزان سرمایه‌گذاری فرد در فعالیت‌های مرسوم از جمله سرمایه‌گذاری تحصیلی و شغلی اشاره می‌کند. مشغولیت نیز به زمان و انرژی که افراد برای شرکت در فعالیت‌های مرسوم از جمله فعالیت‌های مذهبی و یا فعالیت‌های ورزشی می‌گذرانند اشاره دارد. هر چقدر افراد در چنین فعالیت‌های بیشتر درگیر شوند فرصت ارتکاب رفتارهای کجروانه در آنها کمتر می‌شود. عنصر باور نیز به پذیرش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی متداول در جامعه اشاره می‌کند. در مجموع مطابق با نظریه پیوند اجتماعی، پیوستگی، تعهد، مشغولیت و باور قوی احتمال ارتکاب رفتارهای انحرافی و کجروانه را پایین می‌آورد" (30). بنابراین، مقاله حاضر با هدف بررسی رابطه میان عناصر پیوند اجتماعی-خصوصاً مشغولیت ورزشی-با میزان خشم و پرخاشگری به عنوان رفتاری انحرافی در میان دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و تربیت بدنی دانشگاه مازندران صورت گرفته است. نتایج حاصل از بکارگیری آماره‌های توصیفی و استنباطی حاکی از این است که میان دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و تربیت بدنی به لحاظ تجربه خشم تفاوت معناداری وجود ندارد و بنابراین فرضیه اول مورد تایید قرار نگرفت. فرضیه دوم مبنی بر اینکه "میان دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و دانشجویان تربیت بدنی به لحاظ میزان پرخاشگری تفاوت معنادار وجود دارد" مورد تایید قرار گرفت. باید خاطر نشان ساخت که این معناداری تنها

در پرخاشگری فیزیکی بوده است. نتایج این بخش همسو با برخی از تحقیقات موجود در این خصوص از جمله برتون و مارشال (۲۰۰۵) است؛ زیرا، در تحقیق ذکر شده، جوانانی که در فعالیت های ورزشی شرکت داشته اند بیشتر از جوانانی که در چنین فعالیت هایی کمتر شرکت کمتر، گرایش به پرخاشگری و رفتارهای پرخاشگرانه دارند. همچنین در تحقیق فوربیز و همکاران (۲۰۰۶) نیز شرکت در فعالیت های ورزشی پرخاشگرانه یکی از مهم ترین عواملی است که منجر به پرخاشگری دانشجویان گردیده است. در تحقیق بووس و همکاران (۲۰۰۸) نیز مشغولیت در فعالیت های ورزشی در افزایش رفتارهای مخاطره آمیز تاثیر مستقیمی داشته است. دیویس و منارد (۲۰۱۳) نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که بین مشارکت ورزشی و حمله همراه با پرخاشگری رابطه مستقیمی وجود دارد. اما در تحقیق گاردنر و همکاران (۲۰۱۱) هیچ ارتباط معناداری بین فعالیت های ورزشی و بزهدکاری خشونت آمیز مشاهده نشد.

در خصوص فرضیه سوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین عناصر پیوند اجتماعی و احساس خشم، نتایج حاکی از این است که از میان چهار عنصر نظریه پیوند اجتماعی (پیوستگی، تعهد، مشغولیت ورزشی و باور) تنها دو عنصر پیوستگی و باور اثر منفی و معناداری بر بروز خشم در بین دانشجویان داشته اند. نتایج این بخش نشان می دهد که نظریه پیوند اجتماعی تا حدودی در بروز خشم در میان دانشجویان اثر گذار بوده است، اما آن بخش از تحقیق که مربوط به نقش فعالیت های ورزشی در کاهش میزان خشم می باشد مورد حمایت قرار نگرفت "چرا مطابق با نظر هیرشی سطوح بالای فعالیت در امور مختلف اجتماعی خصوصا فعالیت ورزشی فرصت ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی را کاهش می دهند" (۳۰). نتایج این بخش با برخی از تحقیقات پیشین از جمله برنبرگ و تورلیندسون (۱۹۹۷)؛ کارلو و همکاران (۲۰۱۱) همسوست. چرا که در تحقیقات مزبور تنها برخی از عناصر پیوند اجتماعی قادر به تبیین خشونت افراد بوده اند.

در خصوص فرضیه چهارم، مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین عناصر پیوند اجتماعی و بروز پرخاشگری نتایج نشان می دهد که عناصر چهارگانه مطرح در نظریه پیوند اجتماعی اثر معناداری بر بروز پرخاشگری در بین دانشجویان دانشگاه مازندران داشته اند، اما اثر مشغولیت ورزشی به صورت مثبت بوده است. مطابق با نظریه پیوند اجتماعی هیرشی مشارکت و درگیر بودن در فعالیت های روزمره از جمله فعالیت های ورزشی فرد را از ارتکاب به جرم و پرخاشگری باز می دارد. نتایج تحقیق پیش رو در خصوص مشغولیت ورزشی بر خلاف مفروضات نظریه پیوند اجتماعی هیرشی بوده است. به عبارت دیگر متغیر مشغولیت ورزشی نقش مثبت و معناداری در میزان پرخاشگری ایفا نموده است. نتایج این بخش همسو با نتایج برخی از تحقیقات مطرح در بخش پیشینه از جمله علیوردی نیا و آرمانمهر (۱۳۸۷)، اما در تحقیق بووس و همکاران (۲۰۰۸) بر خلاف انتظار، پیوستگی با والدین نقش مهمی در تبیین رفتارهای بزهدکارانه و پرخاشگری به عنوان یکی از ابعاد رفتار بزهدکارانه عامل تعیین کننده ای نبوده است و تنها عنصر مشغولیت در فعالیت های ورزشی در کاهش رفتارهای بزهدکارانه نقش موثری داشته است. نیز، تحقیق کارلو و همکاران (۲۰۱۱) چندان با مفروضات نظریه پیوند اجتماعی همسو نبوده است.

همانگونه که از نتایج تحقیق حاضر بر می آید نظریه پیوند اجتماعی هیرشی سهم مهمی در تبیین احساس خشم و پرخاشگری در میان دانشجویان داشته اند. اما آن بخش از تحقیق که در خصوص مشغولیت ورزشی در تبیین پرخاشگری در میان دانشجویان رشته های علوم انسانی و تربیت بدنی است مورد تایید تجربی قرار نگرفت. "شواهد در خصوص ارتباط میان فعالیت های ورزشی و رفتارهای انحرافی از جمله خشم و پرخاشگری پیچیده

است. برخی از مطالعات به این نتیجه دست یافتند که رفتارهای انحرافی از جمله خشم و پرخاشگری در میان ورزشکاران کمتر رایج است. این در حالی است که تحقیقات دیگر به این نتیجه دست یافتند که شرکت در فعالیت های ورزشی تعیین کننده رفتارهای ضد اجتماعی افراد نیست" (۱۴). به عبارت دیگر، همانگونه که در ابتدای مقاله بیان گردید، تحقیقات مختلفی در خصوص رابطه میان ورزش و پرخاشگری صورت گرفته اند و نتایج برخی از تحقیقات حاکی از این است که مشارکت ورزشی نقش مهمی در کاهش پرخاشگری دارند اما در تحقیق حاضر میان دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار در میزان پرخاشگری فیزیکی تفاوت معنادار وجود دارد که نشان دهنده میزان بالاتر سطوح پرخاشگری فیزیکی در دانشجویان رشته تربیت بدنی است. بنابراین نقش عامل دیگری می باید مورد بررسی قرار گیرد. در تحقیق حاضر، مطابق با نتایج آمار توصیفی بیشتر دانشجویان رشته تربیت بدنی در فعالیت های ورزشی گروهی نظیر، بسکتبال، فوتسال، فوتبال، والیبال، دو میدانی که احتمال برخورد فیزیکی میان بازیکنان بیشتر است، شرکت داشته اند. بنابراین یکی از مفروضاتی که در خصوص بالا بودن میزان پرخاشگری فیزیکی دانشجویان رشته تربیت بدنی می توان مطرح نمود نوع فعالیت ورزشی است که به آن مشغول می باشد. به عبارت دیگر، میزان برخورد فیزیکی و خشونت آمیز بودن رشته ورزشی می تواند یکی از عوامل مهم در بروز پرخاشگری فیزیکی باشد. از طرف دیگر، تحقیقات آینده می توانند به نقش ویژگی های شخصیتی همچون خود-کنترلی، عزت نفس، خودکفایتی به عنوان متغیرهای واسط میان مشغولیت ورزشی و پرخاشگری و خشم توجه داشته باشند.

References:

1. Assadi, M., Rezaei Nezhad, S., Miri, N. (2013). relationship between religiosity and demographic factors tend to violence and risky sexual behavior in male and female students. *Woman and Family Studies*. vol3(12),13-25.
2. Parsamehr, M., Saeedi, M., Deevband, F.(2010). the relationship between social link established by family and Interpersonal violence of male juveniles in Yazd. *Journal of Family Reserch*, vol.6(1), 72-86.
3. Aliverdina, A., Armanmehr, V. (2008). sports and delinquency, an empirical test of Hirschi's Social bond theory. *Journal of Movement Science and Sport*. Vol 6(12),133-141.
4. Razavi, M., Rajabpour, R., Mirzapour, A., sajjadi, A. (2013). The role of physical activity and sport in leisure time of physical disabilities. *Journal of sport management and action behavior*, vol 9(18),129-140.
5. Kashkar, S.(2013). The role of football show violent behavior from TV in adolescents and youth behavior of football clubs in Tehran. *Journal of sport management and action behavior*, Vol 9(17),59-74.
6. Mohseni, R. (2009). analysis of aggression and violence in sport with an emphasis on social psychological approach. *Sociology*. Vol 1(3),52-72.
7. Davis, B., Menard, S. (2013). Long term impact of youth sports participation on illegal behavior. *The Social Science Journal*. (50),34-44.

8. Aliverdina, A., Hemmati, A. (2013). Social analysis of attitude toward alcohol consumption among students of social sciences faculty. Tehran university. Journal of Social and Cultural Strategy. Vol 2(7), 77-102.
9. Bernburg, J., Thorlindsson, T. (1999). Adolescent Violence, Social Control, and The subculture of Delinquency Factors Related to Violent Behavior and Nonviolent Delinquency. Youth & Society. Vol 30 (4), 445-460.
10. Forbes, G., Adams-Curtis, L., Pakalka, A., White, K. (2006). Dating Aggression, Sexual Coercion, and Aggression-Supporting Attitudes Among College Men as a Function of Participation in Aggressive High School Sports. Violence Against Women, Vol 12 (5), 441-455.
11. Booth, J., Farrell, A., Varano, S. (2008). Social Control, Serious Delinquency, and Risky Behavior: A Gendered Analysis. Crime & Delinquency. Vol 54 (3), 423-456.
12. Gelaye, B., Philpart, M., Goshu, M., Berhane, Y., Fitzpatrick, A., Williams, M. (2008). Anger expression, negative life events and violent behavior among male college students in Ethiopia. Scand J Public Health. 36, 538-545.
13. Carlo, G., McGinley, M., Hayes, R., Martinez, M. (2011). Empathy as a mediator of the relations between parent and peer attachment and prosocial and physically aggressive behaviors in Mexican American college students. Journal of Social and Personal Relationships. Vol 29(3), 337-357.
14. Gardner, M., Roth, J., Brooks-Gunn, J. (2011). Sports Participation and Juvenile Delinquency: The Role of the Peer Context among Adolescent Boys and Girls with Varied Histories of Problem Behavior. Sport, Exercise, and Performance Psychology. Vol 1(S), 19-37.
15. Fyuzat, E., Hosseini Nesar, M. (2012). Theories of social deviance. First edition. Tehran: Pezhvak. page, 104.
16. Chapple, L., McQuillan, A., Berdahl, A. (2005). Gender, Social Bonds, and Delinquency: a Comparison of Boys' and Girls' Models. Social Science Research. Vol 34, 357-383.
17. Shoemaker, D. (2010). Theories of delinquency an examination of explanations of delinquent behavior. sixth edition. published by Oxford University, page, 220.
18. Brown, S., Esbensen, F., Geis, G. (2010). Criminology: Explaining Crime and Its Context. Seventh Edition. Western Carolina. Lexis Nexis. page, 302.
19. Clinard B., Meier, F. (2008). Sociology of Deviant Behavior. Thirteenth Edition. Thomson Learning Academic Resource Center, page, 94.
20. Atslander, P. (1996). Methods of social research. Bijan Kazem Zadeh. Second edition. Mashhad, Astan Quds Razav, page, 40.
21. Aliverdina, A., Salehnezhad, S. (2011). Self-control, gender and its impact on deviant behavior. Women in Development & Politics, Vol 9(4), 5-26.
22. Cheung, W. (2010). Strain, Self-Control, and Gender Differences in Delinquency Among Chinese Adolescents: Extending General Strain Theory. Sociological Perspectives, Vol 53, 321-345.
23. Aliverdina, A., Sharepour, M., Moradi, F. (2012). A Study of Self Control and Social Bonding Effect on Students Attitude toward Alcohol Use. Journal of Socio-Cultural Development, Vol 1(4), 69-97.

24. Maxwell, C., Maxwell, S. (2003). Experiencing and Witnessing Familial Aggression and their Relationship to Physically Aggressive Behaviors among Filipino Adolescents. *Journal of Interpersonal Violence*, Vol. 18 (12), 1432-1451.
25. Ardwan Menses, R. (2009). A Cross-Cultural Test of Social Learning, Self- Control, Social Bonding and General Strain Theories of Crime and Deviancel. American University Washington, D.C.
26. Silver, E., Sigfusdottir, I. (2009). Emotional Reactions to Stress among Adolescent Boys and Girls: An Examination of the Mediating Mechanisms Proposed by General Strain Theory. *Journal of Youth & Society*, Vol 40 (4), 571-590.
27. Piquero, L., Fox, K., Piquero, R., Capowich ,G., Paul, M. (2010). Gender, General Strain Theory, Negative Emotions and Disordered Eating. *Journal of Youth Adolescence*, Vol 39, 380-392.
28. Orpinas, P., Frankowski, R. (2001). The Aggression Scale: A Self-Report Measure of Aggressive Behavior for Young Adolescents. *Journal of Early Adolescence*, Vol 21 (1), 50-67.
29. Marsh, L., McGee, R., Williams, S. (2009). Teachers' Perceptions of Physical Aggression among Secondary School Students: A New Zealand View. *Australian Journal of Education*, Vol 53(3), 245-260.
30. Erickson, K., Crosnoe, R., Dornbusch, S. (2000). A Social Process Model of Adolescent Deviance: Combining Social Control and Differential Association Perspectives. *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 29(4), 395-425.